****

[کلام مرحوم شاهرودی: حصول وثوق از جعل حجیت امارات 1](#_Toc495548746)

[نقد استاد: عدم حصول اطمینان نسبت به اخبار 2](#_Toc495548747)

[کلام مرحوم امام: حصول وثوق با جعل حجیت امارات 3](#_Toc495548748)

[نقد استاد: عدم حصول اطمینان 3](#_Toc495548749)

[کلام مرحوم خویی: عدم اثبات حجیت لوازم امارات طبق کلام مرحوم نائینی 4](#_Toc495548750)

**موضوع**: فرق اصول و امارات /تنبیه هفتم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در فرق بین اصول و امارات بود که کلام مرحوم نائینی تقریب شد.

###### کلام مرحوم شاهرودی: حصول وثوق از جعل حجیت امارات

مرحوم شاهرودی[[1]](#footnote-1) بر طبق آن چه که مقررشان مرحوم جزایری نقل می کنند، کلام مرحوم نائینی را تقریب کرده و سپس نسبت به کلام مرحوم نائینی ابداع احتمالی می کنند که شبیه همان مطلبی است که ما بیان کردیم، اگرچه اختلافی هم دارد.

ایشان فرموده اند: منظور مرحوم نائینی از جعل علمیت و کاشفیت، حکایت از مطابقت امارات با واقع به یک نسبت خاصی است. کاشفیت به معنای قوت احتمال در نظر مکلف نیست، بلکه به معنای درصد بالای مطابقت خبر با واقع است. شارع به ملاک مطابقت خبر با واقع، حکم به حجیت می کند. معنای تولید علم در کلام مرحوم نائینی جعل تکوینی علم نیست، بلکه به معنای این است که شارع پرده برداری از حقیقت و واقع می کند. مثلا شارع می بیند که قیاس و لو با قوت احتمال در نظر مکلفین، مطابقت با واقعش کم است، لذا از آن نهی می کند.[[2]](#footnote-2)

مرحوم شاهرودی بعد از نقل کلام مرحوم نائینی و مبانی دیگران در حجیت امارات، می­فرمایند: با هیچ یک از این مبانی، مشکل حجیت مثبتات حل نمی شود. برای مثال جعل علمیتی که مرحوم نائینی مطرح فرمودند باعث تولید علم تکوینی در مورد امارات نمی­شود. اگر هم مرادشان لحاظ جری عملی است، این مطلب در مورد اصول عملیه هم وجود دارد و سبب تمایز در جهت حجیت لوازم نمی شود.

ایشان در ادامه دو احتمال در مراد مرحوم نائینی مطرح کرده اند که عمده آن ها و مختار مرحوم شاهرودی همان احتمال دوم است: الف. امضای سیره عقلائیه ب. ایجاد وثوق به واسطه حجیت

بیان احتمال دوم: شارع با جعل حجیت در امارات به ملاک کاشفیت، موجب می شود که تکوینا در مکلّفین وثوق و اطمینان حاصل شود.

با جعل حجیت توسط شارع، کشف می شود که درصد مطابقت این اماره با واقع زیاد است و در نتیجه وثوق و اطمینان در مکلفین پیدا می شود. این وثوق و اطمینان در مورد لوازم امارات هم وجود دارد. در این صورت اماره منجعل است نه این که مجعول باشد؛ یعنی با جعل شارع، کشف از یک حقیقت می شود نه این که این حقیقت با تعبد، ایجاد شود.

حصول وثوق در این جا مثل این است که عده ای از ثقات، نسبت به جناب زراره مدحی کنند که این مدح سبب اطمینان ما نسبت به اخبار زراره می شود. جعل حجیت اماره به ملاک کاشفیت (کثرت مطابقت با واقع)، کمتر از مدح مادحین نیست.

در مورد اماره به خاطر جعل حجیت به لحاظ کاشفیت، اطمینان در مورد مؤدّی پیدا شده و این اطمینان، در مورد لوازم هم حاصل می­شود، لکن در مورد اصول عملیه، از آن جا که شارع صرفا دستورِ عمل بر طبق مؤدای اصل را می دهد (از باب مصلحت ترخیص یا تسهیل) و در آن، لحاظ کاشفیت را نمی کند، نسبت به خودِ مؤدای اماره هم اطمینانی حاصل نمی شود، تا چه رسد به لوازم مؤدّی. در مورد امارات درصد مطابقت با واقع، در مؤدّی و لوازم مؤدی هیچ فرقی ندارند، لذا ملاک حجیت در مورد هر دو وجود دارد.[[3]](#footnote-3)

نقد استاد: عدم حصول اطمینان نسبت به اخبار

به نظر ما کلام مرحوم نائینی چیز دیگری است. اصلا از جعل حجیت برای اخبار توسط شارع، اطمینانی برای مکلفین پیدا نمی­شود. وجود ملاک مطابقت بالا در اخبار، سبب حصول اطمینان در تک تک اخبار نمی شود.

ملاک حجیت مؤدّیات امارات در نظر مرحوم نائینی، درصد بالای مطابقت آن ها با واقع است که این ملاک در مورد لوازم مؤدّیات نیز بعینه وجود دارد.

نکته: مرحوم شاهرودی توجیهِ (حصول اطمینان بعد از جعل حجیت) را به خاطر این مطرح کرده اند که ظاهر کلام مرحوم نائینی که تولید علم حقیقی را مطرح کرده اند، واضح البطلان است و این مطلب از شأن مرحوم نائینی به دور است.

###### کلام مرحوم امام: حصول وثوق با جعل حجیت امارات

مرحوم امام هم شبیه به همین کلام مرحوم شاهرودی را به عنوان نظر خودشان بیان کرده اند. ایشان در ابتدا نظر مرحوم نائینی و مرحوم شیخ را در فرق اصول و امارات بیان کرده و سپس نظر خود را این گونه بیان فرموده اند: بعد از جعل حجیت برای امارات به ملاک کاشفیت (به معنای درصد بالای مطابقت با واقع) نسبت به مؤدّای امارات، وثوق و اطمینان حاصل می شود. این وثوق و اطمینان در مورد لوازم مؤدّیات نیز وجود دارد.

ایشان در ادامه فرموده اند: عمل عقلاء به امارات بر اساس نکته کاشفیت است و این نکته در مورد لوازم هم وجود دارد. اگر عقلاء به نکته کاشفیت امارات به آن ها عمل نمی کردند، دیگر وجهی برای اثبات حجیت لوازم امارات پیدا نمی کردیم و حتی نسبت به آثار شرعی با واسطه شرعی امارات نیز، مشکل پیدا می کردیم.[[4]](#footnote-4)

حال این که ایشان در مورد لوازم شرعی اصول عملیه چه گونه مشکل حجیت را حل می کنند باید مراجعه شود.

نقد استاد: عدم حصول اطمینان

همان اشکالی که به مرحوم شاهرودی وارد کردیم به مرحوم امام هم وارد است. اگرچه شارع امارات را به لحاظ درصد بالای مطابقت با واقع، حجت کرده است، لکن این سبب نمی شود که نسبت به تک تک اخبار حالت اطمینان پیدا شود. اصلا فرض کنیم که ما علم وجدانی داشته باشیم که هشتاد درصد اخبار، مطابق با واقع است. در این صورت نیز نسبت به تک تک اخبار، حالت اطمینان پیدا نخواهد شد، تا چه رسد به این که با جعل شارع علم به مطابقت هشتاد درصدی پیدا کنیم. معنای اطمینان این است که درصد احتمال مخالف، آن قدر ضعیف است که مورد اعتنا نمی باشد.

###### کلام مرحوم خویی: عدم اثبات حجیت لوازم امارات طبق کلام مرحوم نائینی

مرحوم خویی مبنای مرحوم نائینی را در جعل علمیت در امارات پذیرفته اند (که این مبنا را مرحوم تبریزی هم داشتند و مرحوم صدر از این مبنا به مدرسۀ النائینی تعبیر کرده اند.)، لکن این مبنا را توجیه کننده حجیت لوازم امارت و عدم حجیت لوازم اصول ندانسته اند.

ایشان وجه حجیت لوازم خبر را وجود سیره عقلائیه در مورد آن ها دانسته اند، در حالی که این سیره در مورد سایر امارات وجود ندارد.[[5]](#footnote-5)

نکته : این که در کلام مرحوم نائینی و مرحوم امام آمده بود که عقلاء اماره تعبدیه ندارند صحیح نیست و می توان اصالۀ الصحه و عمل به اقرار مقرّ و اصالۀ الحقیقه را به عنوان مثال های نقض بر این مطلب ذکر کرد که در هیچ کدام از آن ها، عقلاء به دنبال اطمینان نیستند و بدون حصول اطمینان نیز عمل به آن ها می کنند. این هم که گفته شود عقلاء به خاطر حصول اطمینان، به امارات عمل می کنند صحیح نیست ؛ چرا که مثلا عقلاء در عمل به قول خُبره، به دنبال حصول اطمینان نیستند و اصلا اگر این را شرط کنیم نتیجه این می شود که مردم نباید به فتوای مراجع عمل کنند، چرا که از یک طرف مراجع سطح بالا متعدد بوده و از یک طرف هم شخص عامی دارای آشنایی با مباحث نیست و لذا برایش اطمینانی حاصل نمی شود.

1. مرحوم والد ما می فرمودند: (مرحوم شاهرودی درنقل مطالب مرحوم نائینی ادق از سایر تلامذه مرحوم نائینی هستند. ایشان در نجف مطلبی را از مرحوم نائینی نقل کردند که در دروس قم به آن مطلب اشکال می شد، ولی طبق تقریب مرحوم شاهرودی اشکال ها دفع می شد.) استاد [↑](#footnote-ref-1)
2. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ قَطَعَ إِصْبَعاً مِنْ أَصَابِعِ الْمَرْأَةِ كَمْ فِيهَا قَالَ عَشْرٌ مِنَ الْإِبِلِ قُلْتُ قَطَعَ اثْنَيْنِ قَالَ عِشْرُونَ قُلْتُ قَطَعَ ثَلَاثاً قَالَ ثَلَاثُونَ قُلْتُ قَطَعَ أَرْبَعاً قَالَ عِشْرُونَ قُلْتُ سُبْحَانَ اللَّهِ يَقْطَعُ ثَلَاثاً فَيَكُونُ عَلَيْهِ ثَلَاثُونَ وَ يَقْطَعُ أَرْبَعاً فَيَكُونُ عَلَيْهِ عِشْرُونَ إِنَّ هَذَا كَانَ يَبْلُغُنَا وَ نَحْنُ بِالْعِرَاقِ فَنَبْرَأُ مِمَّنْ قَالَهُ وَ نَقُولُ الَّذِي جَاءَ بِهِ شَيْطَانٌ فَقَالَ مَهْلًا يَا أَبَانُ هَكَذَا حَكَمَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ الْمَرْأَةَ تُقَابِلُ الرَّجُلَ إِلَى ثُلُثِ الدِّيَةِ فَإِذَا بَلَغَتِ الثُّلُثَ رَجَعَتْ إِلَى النِّصْفِ يَا أَبَانُ إِنَّكَ أَخَذْتَنِي بِالْقِيَاسِ وَ السُّنَّةُ إِذَا قِيسَتْ مُحِقَ الدِّينُ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج‌7، ص: 299 [↑](#footnote-ref-2)
3. نعم يمكن أن يقال: إنّ مقصود الميرزا النائيني‏...نتائج الأفكار في الأصول، ج‏6، ص: 225 [↑](#footnote-ref-3)
4. [الاستصحاب، السید روح الله الموسوی الخمینی، ج1، ص150.](http://lib.eshia.ir/86437/1/150/التحقیق) [↑](#footnote-ref-4)
5. [موسوعة الامام الخویی، ابوالقاسم خویی، ج48، ص185.](http://lib.eshia.ir/71334/48/185/المحقق) [↑](#footnote-ref-5)